

۷ کارنیل، بزرگترین شبکه موفقیت ایرانیان می باشد، که افرادی زیادی توانسته اند با آن به موفقیت برسند، فاطمه رتبه ۱۱ کنکور کارشناسی، محمد حسین رتبه ۶۸ کنکور کارشناسی، سپیده رتبه ۳ کنکور ارشد، مریم و همسرش راه اندازی تولیدی مانتو، امیر راه اندازی فروشگاه اینترنتی، کیوان پیوستن به تیم تراکتور سازی تبریز، میلاد پیوستن به تیم صبا، مهسا تحصیل در ایتالیا، و.... این موارد گوشه از افرادی بودند که با کارنیل به موفقیت رسیده اند، شما هم می توانید موفقیت خود را با کارنیل شروع کنید.

برای پیوستن به تیم کارنیلی های موفق روی لینک زیر کلیک کنید.

www.karnil.com

همچنین برای ورود به کانال تلگرام کارنیل روی لینک زیر کلیک کنید.

<https://telegram.me/karnil>

کتاب ۹۱۰ واژه که باید بدانیم همراه با ترجمه

محمدعلی باباپور

۱	voracious	پر خور - سیری ناپذیر
۲	indiscriminate	بی رویه - کورکورانه - بی هدف
۳	eminent	مشهور - برجسته - سرشناس
۴	steeped	غرق در - سرشار از - آکنده از
۵	replete	پر از - مملو از - سرشار از
۶	abound	فراوان بودن - پر بودن از
۷	technology	تکنولوژی - دانش فنی - فن آوری
۸	prognosticate	پیش بینی کردن - پیش گویی کردن
۹	automaton	آدم مکانیکی - ماشین خودکار
۱۰	matron	زن سالمند - بانوی خانواده - خانم بزرگ
۱۱	paradox	پارادوکس - تناقض گویی
۱۲	realm	قلمرو - حوزه - حیطه
۱۳	annals	سالنامه - تاریخچه
۱۴	compound	افزودن - تشدید - بدتر کردن - وخیم کردن
۱۵	tinge	رنگ - ته رنگ - اثر - نشان
۱۶	badger	سرزنش کردن - نق زدن
۱۷	implore	التماس کردن - استدعا کردن
۱۸	drudgery	کار شاق - سخت
۱۹	interminable	تمام نشدنی - بی پایان
۲۰	perceive	متوجه شدن - پی بردن
۲۱	iaconic	موجز - کوتاه - کم گو
۲۲	throng	جمعیت - جماعت - جمع کثیر
۲۳	intrepid	شجاع - بی باک - جسور
۲۴	accost	نزدیک شدن - مشتری جلب کردن
۲۵	reticent	خود دار - تو دار - کم حرف
۲۶	furtive	دزدکی - یواشکی - مخفیانه
۲۷	felon	جنایتکار - جانی - تبهکار
۲۸	plethora	کثرت - زیادی
۲۹	hapless	نگون بخت - بد بخت
۳۰	irate	خشمگین - عصبانی
۳۱	pretext	عذر - بهانه - دستاویز
۳۲	fabricate	جعل کردن - ساختن - سرهم کردن
۳۳	adroit	ماهر - زرنگ - زیرک
۳۴	gesticulate	با اشاره فهماندن
۳۵	vigilant	هشیار - بیدار - مراقب
۳۶	avid	مشتاق - علاقه مند
۳۷	cajole	چاپلوسی - گول زدن

۳۸	rudimentary	ابتدایی - مقدماتی - نا چیز
۳۹	enhance	افزایش دادن - بالا بردن - تقویت کردن
۴۰	nuance	اختلاف نظر - فرق جزئی
۴۱	loathe	متنفر بودن از - بیزار
۴۲	reprimand	توبیخ - بازخواست کردن
۴۳	lackluster	خسته کننده - بی روح
۴۴	caustic	طعنه آمیز - حرف تند - نیشدار
۴۵	wrest	به زور گرفتن - پیچاندن - واداشتن
۴۶	infamous	بدنام - رسوا - انگشت نما - ننگین
۴۷	jostle	خوردن به - تنه زدن به - هل دادن
۴۸	dupe	آدم ساده لوح - فریب خورده
۴۹	incipient	آغازین - نخستین
۵۰	inadvertent	بی توجهی - بی دقت
۵۱	ominous	نحس - شوم - ترسناک
۵۲	tremulous	مرتعش - لرزان - نگران
۵۳	repudiate	تکذیب - انکار کردن - رد کردن
۵۴	cessation	قطع - توقف - وقفه
۵۵	bristle	سیخ شدن - ترسیدن - عصبانی شدن
۵۶	euphemism	حسن تعبیر
۵۷	mundane	دنیوی - مادی
۵۸	incongruous	نا هماهنگ - ناسازگار
۵۹	condolence	تسلیت - همدردی - دلداری
۶۰	stipulate	شرط کردن - مشروط - قید کردن
۶۱	alacrity	شور و شوق - نشاط
۶۲	disdain	تحقیر - خوار
۶۳	belligerent	پرخاشگر - جنگ طلب - خصمانه
۶۴	intimidate	ترساندن - مرعوب کردن - تهدید کردن
۶۵	feint	حمله انحرافی - فریب - ترفند
۶۶	pugnacious	ستیزه جو - جنگجو
۶۷	promulgate	رسم اعلام کردن - اشاعه دادن - ترویج کردن
۶۸	brash	گستاخ - وقیح - بی ادب - پر رو
۶۹	scoff	مسخره کردن - تمسخر کردن
۷۰	belittle	تحقیر کردن - کوچک کردن
۷۱	tangible	قابل لمس - لمس شدنی
۷۲	aspirant	جاه طلب - بلند پرواز
۷۳	dregs	پس مانده - رسوب - تفاله
۷۴	frenzy	دیوانگی - جنون - شیدایی
۷۵	scurrilous	توهین آمیز - موهن
۷۶	rampant	شایع - بی امان - بی حد و حصر
۷۷	inane	احمقانه - ابلهانه
۷۸	ethics	اخلاق - اخلاقیات
۷۹	concur	موافق بودن - سازگار بودن
۸۰	clandestine	مخفیانه - سری - پنهانی

۸۱	flagrant	فاحش - آشکار - بی حیا - وقیح
۸۲	admonish	ملامت - هشدار دادن - اخطار دادن
۸۳	duress	فشار - تهدید - زور
۸۴	culprit	مجرم - مقصر
۸۵	inexorable	یک دنده - سر سخت - رام نشدنی
۸۶	egregious	فاحش - آشکار - نمایان
۸۷	distraught	شوریده - ناراحت - پریشان
۸۸	duplicity	دو رویی - دو رنگی - ریا
۸۹	acrimonious	تند - گزنده - تلخ
۹۰	paucity	کمبود - کمی
۹۱	elicit	بیرون کشیدن - در آوردن - استنباط کردن
۹۲	pernicious	مخرب - مضر - زیان بار - خطرناک
۹۳	tolerate	تحمل کردن - تاب آوردن
۹۴	construe	استنباط کردن - تعبیر کردن
۹۵	impunity	بخشودگی - مصونیت - معافیت
۹۶	effluent	ثروتمند - غنی - فراوان
۹۷	feasible	ممکن - عملی شدنی
۹۸	discern	تشخیص دادن - دیدن
۹۹	sally	شبیخون زدن - حمله کردن
۱۰۰	consternation	هراس - دلهره - ترس
۱۰۱	precocious	پیش افتاده - استثنایی
۱۰۲	perfunctory	سرسری - سطحی - فرمالیته
۱۰۳	chagrin	رنجش - تاسف - تلخ
۱۰۴	perverse	خود سر - لجوج
۱۰۵	deride	مسخره کردن - ریشخند زدن
۱۰۶	disparage	ناچیز - کوچک شمردن - تحقیر کردن
۱۰۷	laudable	ستوده - پسندیده - قابل ستایش
۱۰۸	fiasco	ناکامی - شکست - مایه ی آبرو ریزی
۱۰۹	masticate	جویدن
۱۱۰	eschew	دوری جستن از - پرهیز
۱۱۱	quell	سرکوب کردن - پایان دادن
۱۱۲	voluble	پر حرف - وراچ
۱۱۳	confidant	محرم اسرار - راز دار
۱۱۴	obsolescence	کهنگی - زوال - از مد افتادگی
۱۱۵	dubious	مشکوک - مردد - دو دل
۱۱۶	implacable	سر سخت - مصمم - سازش ناپذیر
۱۱۷	paroxysm	هجوم - غلبه - حمله
۱۱۸	reprehensible	قابل سرزنش - سزاوار ملامت
۱۱۹	jurisdiction	حق قضاوت - اختیار - اختیارات قانونی
۱۲۰	skirmish	در گیر - زد و خورد - بگو مگو
۱۲۱	harass	اذیت کردن - به ستوه آمدن - مزاحم شدن
۱۲۲	monolithic	یکپارچه - منسجم - یکدست - سرسخت
۱۲۳	arbitrary	دلبخواهی - استبدادی - خود سرانه

۱۲۴	indigent	فقیر - تنگدست
۱۲۵	fray	دعوا - نزاع
۱۲۶	stymie	تو هچل انداختن - خنثی کردن - جلوگیری
۱۲۷	effigy	آدمک - تمثال - شمایل
۱۲۸	flout	مسخره کردن - تحقیر کردن
۱۲۹	cognizant	آگاه - مطلع - واقف به
۱۳۰	turbulent	متلاطم - خروشان - طوفانی
۱۳۱	terminate	پایان دادن - خاتمه دادن
۱۳۲	forthwith	فورا - بلافاصله - بی درنگ
۱۳۳	exacerbate	خشمگین - عصبانی
۱۳۴	revert	بازگشتن - برگشتن
۱۳۵	oust	بیرون کردن - اخراج کردن
۱۳۶	emaciated	لاغر - نحیف - ضعیف
۱۳۷	surge	هجوم آوردن - سرازیر شدن
۱۳۸	tranquil	آرام - راحت - بی دغدغه
۱۳۹	sanctuary	مکان مقدس - حرم - محل تحصن
۱۴۰	ascend	بالا رفتن - صعود کردن
۱۴۱	malnutrition	بد غذایی
۱۴۲	afflict	ناراحت کردن - رنج دادن
۱۴۳	besiege	محاصره کردن - احاطه کردن
۱۴۴	privation	محرومیت - فقر
۱۴۵	sinister	شوم - نحس
۱۴۶	ubiquitous	همه جا حاضر - همیشه موجود
۱۴۷	remote	دور دست - دور افتاده
۱۴۸	thwart	ایجاد مانع کردن برای - خنثی کردن - نقش بر آب کردن
۱۴۹	harbinger	طلیعه - پیام آور - منادی
۱۵۰	malignant	خطرناک - مهلک - کشنده
۱۵۱	excruciating	کشنده - عذاب آور - دیوانه کننده
۱۵۲	respite	استراحت - امان - مهلت
۱۵۳	fretful	نگران - مضطرب - ناراحت
۱۵۴	succumb	تسلیم شدن - به زانو در آمدن
۱۵۵	impresario	مدیر گروه - مدیر اجرایی
۱۵۶	extortion	اخاذی - زورگویی
۱۵۷	adverse	مخالف - ناسازگار
۱۵۸	asset	دارایی - اموال - املاک - سرمایه
۱۵۹	bigot	متعصب - متحجر - کوتاه فکر
۱۶۰	blatant	وقیحانه - بی شرمانه
۱۶۱	entourage	همراهان - اطرافیان - دسته - گروه
۱۶۲	virulent	مهلک - کشنده - زهر آگین
۱۶۳	venom	زهر - سم - کینه - نفرت
۱۶۴	spew	بالا آوردن - استفراغ کردن - بیرون ریختن
۱۶۵	loathe	بی میل - بیزار - مخالف
۱۶۶	solicit	درخواست کردن - تقاضا کردن

۱۶۷	astute	زرنگ - زبل - ناقلا - تیز
۱۶۸	advocate	حمایت کردن از - دفاع کردن از - جانبداری
۱۶۹	ineffectual	ناتوان - نالایق - بی عرضه
۱۷۰	scrutinize	دقیقا - با دقت - مو شکافانه
۱۷۱	nefarious	شریر - شرور - زشت - خلاف قانون
۱۷۲	amicable	دوستانه - مسالمت آمیز - صلح جویانه
۱۷۳	vexatious	مشکل آفرین - پر دردسر - مزاحم
۱۷۴	malady	بیماری - ناراحتی - درد
۱۷۵	inclement	نامساعد - بد - سرد - توفانی
۱۷۶	peruse	به دقت خواندن - مرور کردن
۱۷۷	premonition	دلشوره - پیش آگاهی - خبر - گواهی دل
۱۷۸	desist	دست کشیدن از - دست برداشتن از
۱۷۹	recoil	پس رفتن - عقب رفتن - لگد زدن
۱۸۰	pertinent	مربوط - مناسب - ذیربط - شایسته
۱۸۱	mastiff	سگ نگهبان
۱۸۲	obsess	آزار دهنده - ایجاد عقده روحی روانی - وسواس
۱۸۳	doleful	مانمزده - غمگین - غم انگیز
۱۸۴	wan	رنگ پریده - بیمار
۱۸۵	histrionics	تظاهر - رفتار ساختگی - ظاهر سازی
۱۸۶	elusive	دست نیافتنی - گریز پا - مبهم - پیچیده
۱۸۷	frustrate	نقش بر آب کردن - خنثی کردن - باطل کردن
۱۸۸	symptomatic	نشانه بیماری - حاکی از علائم مرض
۱۸۹	interject	گنجانیدن - گفتن - پیش کشیدن - مداخله کردن
۱۹۰	inert	بی حرکت - ساکن - سست
۱۹۱	salient	برجسته - مهم - اصلی
۱۹۲	imminent	قریب الوقوع - در شرف وقوع
۱۹۳	squeamish	حساس - زود رنج - نازک نارنجی - سخت گیر
۱۹۴	engross	مجذوب کردن - جلب کردن
۱۹۵	poignant	اندوه بار - دردناک - تاثیر انگیز - تکان دهنده
۱۹۶	inundate	زیر آب بردن - غرق کردن
۱۹۷	fruitless	بی بار - بی ثمر - بی نتیجه
۱۹۸	garbled	مغشوش - درهم برهم - تحریف شده
۱۹۹	sanguine	خوش بین - امیدوار - خوش بینانه
۲۰۰	phlegmatic	خویشترن دار - خونسرد - آرام
۲۰۱	corroborate	تایید کردن - اثبات کردن - تقویت کردن
۲۰۲	comprehensive	جامع - مفصل - کامل - فراگیر
۲۰۳	zealous	مشتاق - علاقه مند
۲۰۴	coerce	مجبور کردن - ناچار کردن - واداشتن
۲۰۵	elapse	گذشتن - سپری شدن
۲۰۶	meticulous	بسیار دقیق
۲۰۷	domicile	خانه - مسکن - منزل
۲۰۸	lax	آسان گیری - بی توجه - بی دقت
۲۰۹	sporadic	پراکنده - متفرق

۲۱۰	rash	عجولانه - شتابزده - نسنجیده
۲۱۱	conjecture	حدس - گمان - فرض
۲۱۲	obviate	برطرف کردن - مرتفع ساختن
۲۱۳	lurid	هولناک - تکان دهنده - ترسناک
۲۱۴	quip	لطیفه - بذله - متلک
۲۱۵	diatribe	تند - سخن تلخ - درشتی
۲۱۶	inhibition	کمرویی - خویشتن داری
۲۱۷	fortuitous	اتفاقی - تصادفی
۲۱۸	incoherent	فاقد انسجام - گسیخته - آشفته
۲۱۹	nominal	اندک - ناچیز - صوری - ظاهری
۲۲۰	expunge	حذف کردن - پاک کردن
۲۲۱	flamboyant	پر زرق و برق - رنگارنگ
۲۲۲	ilk	نوع - جور - قماش - دسته
۲۲۳	prestigious	معتبر - صاحب نام - بلند آوازه
۲۲۴	placard	شعار نوشته - پلاکارد - دیوار آویز
۲۲۵	integral	لازم - اساسی - ضروری
۲۲۶	remuneration	مزد - اجرت - دستمزد
۲۲۷	anathema	حکم تکفیر - لعن - مایه تنفر
۲۲۸	schism	شکاف - دودستگی - اختلاف
۲۲۹	utopia	مدینه فاضله - آرمان شهر - باکجا آباد
۲۳۰	truncated	کوتاه شده - مختصر شده - سانسور شده
۲۳۱	jaunty	شاد - سرحال - شنگول
۲۳۲	fractious	کج خلق - بد خلق - عبوس
۲۳۳	ostentatious	متظاهر - خودنما - نمایشی
۲۳۴	subjugate	مغلوب کردن - مقهور ساختن - شکست دادن
۲۳۵	ultimate	نهایی - غایی - آخرین
۲۳۶	eventuate	منجر شدن به - رخ دادن - اتفاق افتادن
۲۳۷	emit	بیرون دادن - خارج کردن - بیرون ریختن
۲۳۸	importune	مصرانه خواستن از - اصرار کردن به
۲۳۹	incontrovertible	بی چون و چرا - مسلم - غیر قابل انکار
۲۴۰	surreptitious	مخفیانه - پنهانی - دزدکی - یواشکی
۲۴۱	haven	پناهگاه - جای دنج - گوشه ی امن
۲۴۲	subterranean	زیر زمینی - مخفی - نهفته
۲۴۳	viable	عملی - ممکن - شدنی
۲۴۴	premise	فرض - مقدمه - قضا یا
۲۴۵	jeopardize	به مخاطره انداختن - به خطر انداختن
۲۴۶	incredulous	دیر باور - شکاک - حاکی از ناباوری
۲۴۷	permeate	فراگیر - پخش شدن - رخنه کردن
۲۴۸	propitious	مناسب - مساعد - خجسته - فرخنده
۲۴۹	surmise	حدس زدن - گمان بردن
۲۵۰	curtailn	کوتاه کردن - مختصر کردن - کاستن از
۲۵۱	repress	سرکوب کردن - واپس زدن - فرو خوردن
۲۵۲	eryptic	گیج کننده - مبهم - رمزی - سری - اسرار آمیز

۲۵۳	inchoate	تازه شکل گرفته - جوان - خام
۲۵۴	aspire	آرزو کردن - اشتیاق داشتن - خواستن
۲۵۵	inveigh	حمله کردن به - بد گفتن از - بد گویی کردن از
۲۵۶	nettle	رنجاندن - آزردن - عصبانی کردن
۲۵۷	overt	آشکار - علنی - واضح
۲۵۸	relegate	پایین آوردن - تنزل دادن - منتقل کردن
۲۵۹	supine	به پشت خوابیده
۲۶۰	mammoth	عظیم - بسیار بزرگ - غول پیکر
۲۶۱	repulse	رد کردن - سرباز زدن - دفع کردن
۲۶۲	havoc	خرابی - ویرانی - خسارت
۲۶۳	raze	منهدم کردن - ویران کردن
۲۶۴	lothal	مهلک - کشنده - مرگبار
۲۶۵	scurry	دویدن - شتافتن
۲۶۶	incisive	برنده - گزنده - صریح - بی پرده - روشن
۲۶۷	precipitate	عجله کردن - تسریع کردن - جلو انداختن
۲۶۸	stereotype	کلیشه ای - گفتار تکراری
۲۶۹	stentorian	رسا - بسیار بلند
۲۷۰	singular	فوق العاده - خارق العاده - برجسته
۲۷۱	valor	شجاعت - دلیری
۲۷۲	bias	تعصب - پیش داوری - جبهه گیری
۲۷۳	accomplice	همدست - شریک جرم
۲۷۴	recant	توبه کردن از - اظهار ندامت کردن
۲۷۵	culpable	مقصر - مجرم - گناهکار
۲۷۶	abrogate	لغو کردن - باطل کردن - منسوخ کردن
۲۷۷	alleged	اظهار شده - ادعا شده - متهم
۲۷۸	sinecure	شغل - مقام تشریفاتی
۲۷۹	complicity	همدستی - تباری - شرکت
۲۸۰	liquidation	قتل - کشتن
۲۸۱	access	راه رسیدن - ورود - دسترسی - دستیابی
۲۸۲	invalidate	بی اعتبار کردن - باطل کردن
۲۸۳	preclude	مانع شدن - جلوگیری کردن از
۲۸۴	persevere	پشتکار داشتن - استقامت کردن - ادامه یافتن
۲۸۵	landmark	رویداد بزرگ - تاریخی - مهم - نقطه ی عطف
۲۸۶	extrinsic	بیرونی - خارجی - غیر ذاتی - غیر ضروری
۲۸۷	declaim	دکلمه کردن - با احساس سخن گفتن
۲۸۸	fetter	مقید کردن - محدود کردن - دست و پاگیر شدن
۲۸۹	paragon	الگو - سرمشق - نمونه عالی
۲۹۰	nomadic	عشیره ای - ایلپاتی - چادر نشینی - خانه به دوش
۲۹۱	asperity	خشونت - تندی - درشتی
۲۹۲	epithet	صفت - لقب - عنوان
۲۹۳	controversial	بحث انگیز - جنجالی - اختلاف
۲۹۴	indigenous	بومی - ذاتی - فطری - طبیعی
۲۹۵	gregarious	اجتماعی - معاشرتی - خونگرم

۲۹۶	habitat	زیستگاه - بوم
۲۹۷	cursory	سرسری - شتاب زده - سطحی
۲۹۸	interloper	مزاحم - فضول - نخود هر آش
۲۹۹	prolific	پر بار - پر کار - فعال
۳۰۰	bulwark	حافظ - محافظ - مدافع - نگهبان
۳۰۱	sedentary	نشستنی - نشسته - کم تحرک - بی تحرک
۳۰۲	frugal	صرفه جو - صرفه جویانه - مقتصدانه
۳۰۳	antithesis	نقطه ی متقابل - ضد - عکس - تضاد
۳۰۴	altruistic	نوع دوستانه - ایثار گرانه
۳۰۵	embellish	تزیین کردن - زینت دادن
۳۰۶	cache	مخفیگاه - نهانگاه
۳۰۷	coterie	محفل - حلقه - گروه
۳۰۸	cupidity	حرص - آز - طمع
۳۰۹	virtuosity	هنرمندی - مهارت - استادی
۳۱۰	temerity	جسارت - گستاخی - وقاحت
۳۱۱	amorous	عاشقانه - احساساتی - رمانتیک
۳۱۲	progeny	فرزندان - اولاد - بچه ها
۳۱۳	saturate	خیساندن - کاملاً خیس کردن - اشباع کردن
۳۱۴	perpetrate	مرتکب شدن - عمل زشت انجام دادن
۳۱۵	consummate	کامل - تمام عیار - تمام و کامل - ماهر
۳۱۶	subterfuge	بهانه - ترفند - تزویر - حيله
۳۱۷	concoct	سر هم کردن - جور کردن - از خود در آوردن
۳۱۸	fallacious	گمراه کننده - فریبنده - اشتباه
۳۱۹	manifold	متعدد - بسیار زیاد - متنوع
۳۲۰	assiduous	سخت کوش - کوشا - با پشتکار
۳۲۱	impeccable	بی عیب - بی نقص - کامل
۳۲۲	fraught	نگران کننده - دلهره آور
۳۲۳	resourceful	کاردان - با تدبیر - مبتکر
۳۲۴	murky	تاریک - تار - مبهم - غم انگیز - کثیف
۳۲۵	component	تشکیل دهنده - سازنده - مولفه - عنصر
۳۲۶	hoax	حقه - کلک - دروغ
۳۲۷	labyrinth	پیچ در پیچ - تو در تو - هزار تو
۳۲۸	evaluate	ارزیابی کردن - برآورد کردن - سنجیدن
۳۲۹	exult	ذوق کردن - شادی کردن
۳۳۰	attest	اثبات کردن - گواهی کردن - تصدیق کردن
۳۳۱	gullible	ساده لوح - ساده - هالو - زودباور
۳۳۲	deploy	مستقر شدن - موضع گرفتن - وارد میدان کردن
۳۳۳	enigma	معما - چیستان
۳۳۴	abortive	بیهوده - بی نتیجه - بی حاصل
۳۳۵	modify	تغییر مختصر دادن - اصلاح کردن
۳۳۶	accommodate	سازگار کردن با - وفق دادن با - سازگار شدن با
۳۳۷	spontaneous	خود جوش - خود به خود - خود انگیزه
۳۳۸	innate	ذاتی - فطری - خدادادی - مادر زاد

۳۳۹	veneer	پوشش - لایه - روکش
۳۴۰	myriad	تعداد زیادی - صدها - هزاران - میلیون ها
۳۴۱	urbane	مبادی آداب - با نزاکت - مودبانه
۳۴۲	crave	آرزوی چیزی را داشتن - مردن برای - خواستن
۳۴۳	irrelevant	نامربوط - بی ربط
۳۴۴	deem	معتقد بودن - انگاشتن - تصور کردن
۳۴۵	inherent	ذاتی - فطری
۳۴۶	buff	طرفدار - سینه چاک - کشته مرده
۳۴۷	romp	بازی کردن - جست و خیز کردن - ورجه ورجه کردن
۳۴۸	latent	پنهان - نهان - خفته
۳۴۹	tortuous	پر پیچ و خم - پیچ در پیچ - مارپیچ
۳۵۰	itinerant	دوره گرد - سیار
۳۵۱	peregrination	مسافرت - سفر
۳۵۲	conjugal	زناشویی - زن و شوهر
۳۵۳	barometer	فشار سنج - جو سنج
۳۵۴	amnesty	عفو عمومی - عفو
۳۵۵	expatriate	مهاجر - مقیم
۳۵۶	expatriate	تبعید کردن
۳۵۷	exonerate	تبرئه کردن - مبرا کردن - بی گناه دانستن
۳۵۸	fiat	حکم - فرمان - دستور
۳۵۹	mendacious	دروغ - نادرست - بی اساس - کاذب
۳۶۰	megalomania	خود بزرگ بینی
۳۶۱	profligate	اسراف کارانه - بی رویه - بی حیا - بی شرم - فاسد
۳۶۲	strife	درگیری - کشمکش - نزاع - مبارزه
۳۶۳	legion	لشکر - تعداد زیادی - انبوه
۳۶۴	coup	کودتا - ضربه ی کاری - اقدام قاطع
۳۶۵	parsimonious	خسیس - ممسک - بخیل
۳۶۶	pecuniary	مادی - مالی - پولی
۳۶۷	dismantle	باز کردن - پیاده کردن - اوراق کردن
۳۶۸	sumptuous	مجلل - شاهانه - باشکوه - فاخر
۳۶۹	underwrite	پشت نویسی کردن - امضا کردن
۳۷۰	restrictive	محدود کننده - بازدارنده
۳۷۱	balk	دو دل بودن - پا پس کشیدن - نپذیرفتن
۳۷۲	blunt	رک - بی پرده - صریح
۳۷۳	nostalgia	حسرت گذشته - غم غربت - احساس غربت
۳۷۴	rife	شایع - رایج - گسترده - متداول
۳۷۵	revile	دشنام دادن به - ناسزا گفتن به - عیب گویی کردن از
۳۷۶	reviled	منفور
۳۷۷	derogatory	اهانت آمیز - توهین آمیز - موهن
۳۷۸	indict	اعلام جرم کردن علیه - متهم کردن به
۳۷۹	nebulous	مغشوش - درهم برهم - آشفته
۳۸۰	pesky	مزاحم - مودی - ناخوشایند
۳۸۱	redolent	خوشبو - معطر

۳۸۲	repose	حالت استراحت - خواب - آرامش
۳۸۳	omnivorous	همه چیز خوار - همه چیز دوست
۳۸۴	disparate	متفاوت - مختلف - بی شباهت - ناهمخوان
۳۸۵	abstemious	صرفه جو - اعتدال گر - معتدل - میانه رو
۳۸۶	extant	موجود - باقی - بازمانده
۳۸۷	vicissitude	فراز و نشیب - ناملایمات - پستی و بلندی
۳۸۸	edifice	عمارت - بنای مجلل
۳۸۹	sultry	دم کرده - گرم و مرطوب - شرجی
۳۹۰	trenchant	قاطع - کوبنده - قوی - صریح - بی پرده
۳۹۱	puissant	مقتدر - قوی - با نفوذ
۳۹۲	unabated	سیری ناپذیر - کاهش پذیر - بی وقفه ادامه دادن
۳۹۳	maudlin	احساساتی - دلنگ - سوزناک
۳۹۴	levity	سبک سری - لودگی - دمدمی مزاجی
۳۹۵	lugubrious	غم انگیز - حزن انگیز - ماتمزه
۳۹۶	scion	فرزند - نو - نهال - تازه
۳۹۷	indoctrinate	تلقین کردن - القا کردن - شست و شوی مغزی - یاد دادن
۳۹۸	opulence	ثروت - دارایی - ارزش - ناز و نعمت
۳۹۹	fulsome	اغراق آمیز - مبالغه آمیز - بیش از حد
۴۰۰	lush	تجملی - لوکس - مجلل
۴۰۱	destitution	فقر - تهیدستی - بینوایی
۴۰۲	ponder	تامل کردن درباره - اندیشیدن به - فکر کردن
۴۰۳	supplication	التماس - درخواست
۴۰۴	decadence	سقوط - زوال - پوسیدگی - فساد
۴۰۵	penance	توبه
۴۰۶	ascetic	زاهد - پارسا - پرهیزکار
۴۰۷	bona fide	واقعی - اصلی - اصیل - با اصالت
۴۰۸	salvation	رستگاری - آمرزش - نجات
۴۰۹	materialism	ماده گرایی - مادی گری
۴۱۰	nurture	پرورش دادن - بزرگ کردن - به ثمر رساندن
۴۱۱	nirvana	آرامش ابدی - سعادت ابدی
۴۱۲	juxtapose	کنار هم گذاشتن - پهلوی هم گذاشتن
۴۱۳	plight	وضعیت اسفناک - مشکل - گرفتاری
۴۱۴	covert	پنهانی - مخفی
۴۱۵	cope	از عهده برآمدن - حریف شدن - کنار آمدن با
۴۱۶	incompatibility	ناسازگار - مغایرت - ناهماهنگی
۴۱۷	incapacitate	عاجز کردن - ناتوان کردن - سلب صلاحیت کردن
۴۱۸	fabricate	جعل کردن - ساختن - سر هم کردن
۴۱۹	connubial	زناشویی - زن و شوهری - همسری
۴۲۰	demur	مخالفت - اعتراض کردن - تردید کردن
۴۲۱	appellation	نام - عنوان - لقب
۴۲۲	escalation	افزایش - گسترش - تشدید
۴۲۳	indifference	بی اعتنائی - بی تفاوتی - بی علائگی
۴۲۴	potential	استعداد - ظرفیت - توانایی - بالقوه

۴۲۵	comulative	فزاینده - روبه افزایش - متراکم - اضافی
۴۲۶	recondite	مشکل - پیچیده - اسرار آمیز - مبهم
۴۲۷	palliate	آرام کردن - تسکین دادن
۴۲۸	delude	فریب دادن - گمراه کردن - گول زدن
۴۲۹	prelude	مقدمه - سرآغاز - پیش در آمد
۴۳۰	chimerical	خیالی - موهوم - غیر واقعی
۴۳۱	acknowledge	اعتراف کردن - تأیید کردن - قبول کردن
۴۳۲	heterogeneous	نامتجانس - ناهمگن - ناجور
۴۳۳	gamut	طیف - گسترده - اشکال مختلف
۴۳۴	perspicacious	زیرک - باهوش - با ذکاوت - با بصیرت
۴۳۵	analogous	قابل قیاس - هم تراز - شبیه
۴۳۶	maladjusted	ناسازگار - نامیزان
۴۳۷	phenomenon	پدیده - خارق العاده
۴۳۸	mortality	فناپذیری - میرندگی - تلفات
۴۳۹	decade	دهه - ده سال
۴۴۰	susceptible	حساس - آسیب پذیر - احساساتی - مستعد
۴۴۱	neurotic	عصبی - روان رنجور - وسواسی
۴۴۲	pedagogue	معلم - آموزگار
۴۴۳	enunciate	تلفظ کردن - ادا کردن - بیان کردن
۴۴۴	inordinate	بیش از حد - بی شمار
۴۴۵	irascible	تندخو - عصبی
۴۴۶	introspective	درون نگر - خودکاو
۴۴۷	perpetuate	ادامه دادن - تداوم بخشیدن
۴۴۸	mandate	حکم - فرمان - دستور
۴۴۹	compensatory	ترمیمی - جبرانی - به عنوان خسارت
۴۵۰	neutralize	خنثی کردن - بی اثر کردن - بی طرف اعلام کردن
۴۵۱	anthropologist	انسان شناس - مردم شناس
۴۵۲	bizarre	عجیب و غریب - غیر عادی - باور نکردنی
۴۵۳	inanimate	بی جان - فاقد حیات - بی روح - مرده
۴۵۴	fetish	بت - شی جادویی
۴۵۵	artifact	مصنوعی - دست ساخت - دست ساز
۴۵۶	taboo	تحریم شده - منع شده - حرام
۴۵۷	imprudent	بی احتیاط - بی فکر - نسنجیده - عجولانه
۴۵۸	prohibition	منع - بازداری - ممنوعیت - تحریم
۴۵۹	imperative	ضروری - لازم - واجب - اجباری
۴۶۰	taint	فساد - آلودگی - خراب کردن
۴۶۱	universal	همگانی - عمومی - کلی - جهانی
۴۶۲	contemptuous	تحقیر آمیز - موهن - اهانت آمیز
۴۶۳	absurd	پوچ - بی معنی - مسخره - مزخرف
۴۶۴	bigot	کوتاه فکر - شخص متعصب
۴۶۵	abhor	متنفر بودن از - نفرت داشتن از
۴۶۶	vulnerable	آسیب پذیر - ضعیف - حساس
۴۶۷	entreaty	خواهش و تمنا - درخواست - التماس

۴۶۸	tradition	سنت - رسم - رسوم - آداب
۴۶۹	originate	نشئت گرفتن - ریشه داشتن - آغاز شدن
۴۷۰	inviolable	مقدس - محترم - تخطی ناپذیر
۴۷۱	awesome	مهیب - ترسناک - مخوف
۴۷۲	eruption	فوران - غلیان - درگیری
۴۷۳	puny	ضعیف - نحیف - فسقلی - ریزه میزه
۴۷۴	debris	آت و اشغال - ویرانه ها - خاکسترها
۴۷۵	disperse	پخش کردن - پراکنده کردن - متفرق کردن
۴۷۶	obliterate	محو کردن - نابود کردن
۴۷۷	deplorable	اسفناک - تاسف انگیز - بسیار بد
۴۷۸	initiate	شروع کردن - آغاز کردن - راه انداختن
۴۷۹	conflagration	حریق بزرگ - آتش سوزی عظیم
۴۸۰	rue	تاسف خوردن از - افسوس خوردن از - پشیمان شدن از
۴۸۱	congenial	همدل - همدم - دلسوز
۴۸۲	board	ذخیره کردن - جمع کردن - اندوختن
۴۸۳	sage	خردمند - فرزانه - دانا - هوشمند
۴۸۴	aegis	حمایت - پشتیبانی
۴۸۵	detriment	زیان - ضرر - آسیب
۴۸۶	longevity	عمر طولانی - طول عمر
۴۸۷	imbibe	توشیدن - آشامیدن - مشروب
۴۸۸	virile	مردانه - نیرومند - قوی - پرتوان
۴۸۹	senile	پیر - فرتوت - خرف
۴۹۰	dodder	لرزیدن - لنگان لنگان رفتن - مرتعش
۴۹۱	lethargic	خسته - کسل - سست - خواب آلود - سنگین
۴۹۲	prevalent	رایج - متداول - فراگیر - شایع
۴۹۳	paramount	مهم - بسیار مهم - عالی - فوق العاده
۴۹۴	remiss	بی توجه - بی دقت - سهل انگار
۴۹۵	hostile	خصمانه - دشمن - متخاصم
۴۹۶	rebuke	توبیخ - مواخذه - سرزنش
۴۹۷	aversion	بیزاری - نفرت - تنفر
۴۹۸	vogue	مد - مورد پسند - مد بودن - باب
۴۹۹	superficial	سطحی - در سطح کم عمق - سطحی
۵۰۰	jettison	دور ریختن - بیرون ریختن - کنار گذاشتن
۵۰۱	lucrative	سود آور - پر منفعت - پر سود
۵۰۲	tussle	کشمکش - مجادله - نزاع
۵۰۳	intrinsic	ذاتی - اصلی - باطنی - طبیعی
۵۰۴	acute	حاد - بحرانی - شدید
۵۰۵	gist	لب مطلب - اصل موضوع - نکات مهم
۵۰۶	transient	گذرا - زودگذر - موقت - بی ثبات
۵۰۷	terse	کوتاه - فشرده - مختصر
۵۰۸	cogent	محکم - استوار - قاطع
۵۰۹	pinnacle	اوج - نقطه اوج - قله
۵۱۰	array	صف - ردیف - ترتیب - آرایش

۵۱۱	obscure	مبهم - گنگ - ناشناخته - گمنام
۵۱۲	ardent	گرم - سوزان
۵۱۳	culminate	منتهی شدن به - انجامیدن به
۵۱۴	constrict	محدود کردن - مقید کردن - جمع کردن
۵۱۵	prodigy	اعجوبه - نابغه - پدیده شگفت
۵۱۶	bereft	بی بهره
۵۱۷	falter	به تردید افتادن - مردود بودن - تزلزل نشان دادن
۵۱۸	exultation	خوشحالی - شادی - وجد - شمع
۵۱۹	vitriolic	خصمانه - تلخ - گزنده - نیشدار
۵۲۰	invective	ناسزا - دشنام - فحش
۵۲۱	besmirch	لوث کردن - لکه دار کردن - کثیف کردن
۵۲۲	voluminous	حجیم - بزرگ - زیاد - فراوان
۵۲۳	retrospect	بازنگری - با نگاهی به گذشته
۵۲۴	egotist	خودخواه - خود پرست - خود ستا
۵۲۵	humility	فروتنی - تواضع - خضوع
۵۲۶	pungent	تند - تیز - گزنده - نیشدار - تلخ
۵۲۷	inveterate	ریشه دار - دیرینه - قهار - باسابقه
۵۲۸	adamant	قاطع - سرسخت - قاطعانه
۵۲۹	vulnerable	آسیب پذیر - شکننده - حساس - ضعیف
۵۳۰	bedlam	آشفته بازار - حمام زنانه - شلوغی - بازار شام
۵۳۱	eacophony	ناهمگونی - بدآوایی - گوشخراش
۵۳۲	exploit	بهره برداری کردن از - بهره کشی از
۵۳۳	propinquity	نزدیکی - مجاورت
۵۳۴	disgruntled	ناراضی - ناخشنود - دماغ
۵۳۵	infallible	خطا ناپذیر - معصوم - بی گناه
۵۳۶	panacea	نوشدارو - داروی همه دردها
۵۳۷	eradicate	ریشه کن کردن - از بین بردن - نابود کردن
۵۳۸	impede	جلوگیری کردن از - مانع شدن - سد راه شدن
۵۳۹	sedate	موقر - متین - آرام - با وقار
۵۴۰	equanimity	آرامش - متانت - خویشتن داری - بردباری
۵۴۱	compatible	سازگار - هماهنگ - جور - متناسب
۵۴۲	serenity	آرامش - سکوت - صفا
۵۴۳	revere	احترام قائل شدن - حرمت گذاشتن - تقدیر کردن
۵۴۴	irrational	غیر منطقی - نامعقول - پوچ - بی معنی
۵۴۵	avarice	حرص - طمع - آز - مال پرستی
۵۴۶	insatiable	سیری ناپذیری - ارضا نشدنی
۵۴۷	nadir	پایین ترین حد - نهایت افت
۵۴۸	moribund	مشرف به موت - دم مرگ - رو به نابودی
۵۴۹	lithe	انعطاف پذیر - چابک - فرز
۵۵۰	obese	فربه - بسیار چاق
۵۵۱	adherent	هوادار - طرفدار - مرید - پیرو
۵۵۲	bliss	سعادت - خوشبختی - لذت - شادکامی
۵۵۳	pathetic	غم انگیز - رقت انگیز - اسف بار - غیر قابل قبول

۵۵۴	exhort	تشویق کردن - ترغیب کردن - توصیه کردن
۵۵۵	apathy	بی تفاوتی - بی علاقه‌گی - دل‌مردگی - سردی
۵۵۶	fracas	دعوا - کتک کاری - جر و بحث - جال و جنجال
۵۵۷	inebriated	مست - سر مست - شنگول - شاد
۵۵۸	adversary	حریف - رقیب - دشمن - مخالف
۵۵۹	indolent	تنبل - سست - بی حال
۵۶۰	gusto	شور و شوق - حرارت - عشق - لذت
۵۶۱	garrulous	پر حرف - پرچانه - وراج
۵۶۲	banal	پیش پا افتاده - مبتذل - عادی - لوس - خسته کننده
۵۶۳	platitude	حرف معمولی - حرف کلیشه ای - حرف مبتذل
۵۶۴	pique	آزدگی - دلخوری - رنجش - خشم
۵۶۵	dilettante	آماتور - مبتدی - ناشی
۵۶۶	atypical	غیر عادی - غیر معمول - عجیب
۵۶۷	nondescript	بی هویت - نامشخص
۵۶۸	wane	در حال کاهش - در حال افول
۵۶۹	extinct	منقرض - منهدم - نابود
۵۷۰	idyllic	خوش و خرم - با صفا - آرام - ساده
۵۷۱	galvanize	برانگیختن - تحریک کردن - به هیجان آوردن
۵۷۲	encumbrance	وبال گردن - مایه ی دردسر - مزاحم
۵۷۳	gaudy	زرق و برق - رنگ وارنگ - براق
۵۷۴	condescend	لطف کردن - منت گذاشتن
۵۷۵	candor	صداقت - صراحت - رک گویی
۵۷۶	mortify	خجالت دادن - سرافکننده کردن - شرمنده کردن
۵۷۷	jocose	خنده دار - شوخی آمیز - شاد - بذله گو
۵۷۸	malign	بد گویی کردن از - تهمت زدن به - غیبت کردن
۵۷۹	omnipotent	مقتدر - قدرتمند - قادر مطلق
۵۸۰	zenith	اوج - نقطه ی اوج
۵۸۱	fledgling	نوپا - تازه کار - بی تجربه - ناشی
۵۸۲	peremptory	مستبد - تحکیم آمیز - قاطع
۵۸۳	precedent	سابقه - پیشینه - سنت - رسم
۵۸۴	wheedle	چرب زبانی کردن - چاپلوسی کردن
۵۸۵	rustic	روستایی - دهاتی
۵۸۶	jubilant	شاد - سرمست - شادمان - خوشحال
۵۸۷	decorum	ادب - نزاکت - لیاقت
۵۸۸	charlatan	شبیاد - شارلاتان - دکتر قلابی
۵۸۹	heresy	بدعت - خروج از دین
۵۹۰	prudent	محتاط - دور اندیش - عاقلانه - سنجیده
۵۹۱	ostensible	ظاهری - صوری - آشکار - نمایان
۵۹۲	fervid	مشتاق - پر شوق - پر حرارت - پر احساس - داغ
۵۹۳	spurious	کاذب - بی اساس - تقلبی - قلابی - جعلی
۵۹۴	propagate	اشاعه دادن - ترویج دادن - پخش کردن
۵۹۵	anomaly	بی قاعده - نا بهنجاری - خلاف قاعده
۵۹۶	innocuous	بی خطر - بی ضرر - بی آزار

۵۹۷	surfeit	زیادی - فراوانی - انبوه - یک عالمه
۵۹۸	milieu	محیط اجتماعی - محیط فرهنگی
۵۹۹	strident	گوش خراش - تیز - خشن - سرسخت
۶۰۰	concomitant	ملازم - همراه - توأم - مقارن - هم زمان
۶۰۱	lassitude	خستگی - رخوت - بی حوصلگی - ضعف
۶۰۲	deleterious	مضر - زیان بار - زیان بخش
۶۰۳	efficacy	تاثیر - اثر بخش - فایده - سودمندی - کارآیی
۶۰۴	dissent	مخالفت کردن - اختلاف داشتن - توافق نداشتن
۶۰۵	ferment	شورش - نا آرامی - طغیان - آشوب
۶۰۶	attenuate	ضعیف کردن - ضعیف شدن - نحیف شدن
۶۰۷	attenuated	ضعیف
۶۰۸	arbiter	داور - حکم - میانجی - قاضی
۶۰۹	incumbent	واجب - ناگزیر - لازم
۶۱۰	profound	عمیق - ژرف
۶۱۱	alleviate	سبک کردن - تخفیف دادن - کم کردن
۶۱۲	prodigious	عظیم - فوق العاده - چشمگیر - اعجاب آور
۶۱۳	expedite	تسریع کردن - پیش بردن - تسهیل کردن
۶۱۴	celerity	چابکی تحرک - فرزی - سرعت
۶۱۵	usurp	غصب کردن - به ناحق گرفتن - به زور گرفتن
۶۱۶	paltry	جزئی - اندک - خیلی کم - بی ارزش
۶۱۷	condone	بخشیدن - عفو کردن - نادیده گرفتن
۶۱۸	trivial	جزئی - ناچیز - پیش پا افتاده
۶۱۹	bizarre	عجیب و غریب - شگفت - باور نکردنی
۶۲۰	menial	حقیر - بی اهمیت - پست - چاکر - نوکر
۶۲۱	venerable	محترم - ارجمند - گرامی
۶۲۲	extraneous	نامربوط - بی ربط - خارجی - بیرونی
۶۲۳	ambiguous	مبهم - گنگ - دوپهلو - نامشخص
۶۲۴	succinct	کوتاه - مختصر - فشرده
۶۲۵	archaic	منسوخ - مهجور - قدیمی
۶۲۶	emulate	رقابت کردن با - برتری جستن با - هم چشمی کردن با
۶۲۷	facetious	شوخی خنده دار - طنز آمیز - گزنده - بذله گو
۶۲۸	rabid	متعصب - افراطی - خشک مغز - دیوانه
۶۲۹	salubrious	سالم - پاکیزه - آبرومند - خوش نام
۶۳۰	complacent	از خود راضی - خود پسند - مغرور - مغرورانه
۶۳۱	somber	عبوس - دماغ - گرفته - غمگین
۶۳۲	debilitate	تضعیف کردن - ناتوان کردن - رنجور کردن
۶۳۳	impetuous	عجولانه - شتابزده - نسنجیده
۶۳۴	occult	پنهان - فراطبیعی - اسرار آمیز - سری
۶۳۵	discreet	عاقل - با بصیرت - محتاط - رازدار - تودار
۶۳۶	foment	ایجاد کردن - به راه انداختن - بر پا کردن
۶۳۷	glean	جمع آوری کردن - گرد آوردن - به دست آوردن
۶۳۸	quarry	شکار - طعمه - معدن سنگ
۶۳۹	slovenly	شلخته - ژولیده - نامرتب

۶۴۰	abjure	ترک کردن - کنار گذاشتن - دست کشیدن از
۶۴۱	reproach	سرزنش کردن - انتقاد کردن - مواخذه کردن
۶۴۲	penitent	پشیمان - نادم - متاسف - توبه کار
۶۴۳	evanescent	زود گذر - گذرا - ناپایدار - فانی
۶۴۴	tantamount	در حکم - برابر - معادل - به منزله
۶۴۵	propensity	کشش - گرایش - میل - تمایل - رغبت
۶۴۶	wary	محتاط - مواظب - مراقب - نگران
۶۴۷	ally	آرام کردن - تسکین دادن - رفع کردن - برطرف کردن
۶۴۸	deter	منصرف کردن - مانع شدن - بازداشتن
۶۴۹	connoisseur	خبیره - وارد - متخصص
۶۵۰	۳۴th week	هفته سی و چهارم
۶۵۱	site	محل - جا - زمین
۶۵۲	vigil	شب زنده داری - احیا - بیدار ماندن
۶۵۳	cumbersome	پر زحمت - پر دردسر - دست و پا گیر
۶۵۴	interrogate	سوال کردن از - توضیح خواستن از - بازجویی کردن
۶۵۵	divulge	افشا کردن - فاش کردن - برملا کردن
۶۵۶	fluctuate	نوسان داشتن - بالا و پایین رفتن - افت و خیز کردن
۶۵۷	unmitigated	مطلق - محض - کامل - تمام عیار
۶۵۸	commodious	جا دار - فضا دار - بزرگ - وسیع
۶۵۹	antiquated	کهنه - قدیمی - از مد افتاده - منسوخ
۶۶۰	disheveled	ژولیده - آشفته - نا مرتب - نا منظم
۶۶۱	tenacious	سفت - محکم - سر سخت - یک دنده - قوی
۶۶۲	facade	نما - ظاهر - صورت - ظاهر سازی
۶۶۳	asinine	ابله - احمق - نادان - احمقانه
۶۶۴	grimace	اخم - اخم و تخم - قیافه - شکلک - ادا
۶۶۵	calumny	افترا - تهمت - بهتان
۶۶۶	pittance	حقوق ناچیز - حقوق بخور و نمیر - شندر غاز
۶۶۷	au courant	مطلع - با خبر - در جریان روز - جدید - مدرن
۶۶۸	fastidious	سخت گیر - مشکل پسند - وسواسی - ایرادی
۶۶۹	noisome	ناراحت کننده - زننده - مشمئز کننده - نفرت انگیز
۶۷۰	unkempt	بههم ریخته - ژولیده - نا مرتب - نا منظم
۶۷۱	parable	حکایت - قصه - داستان - تمثیل
۶۷۲	whimsical	خنده دار - مضحک - طنز آمیز - شوخی آمیز
۶۷۳	lampoon	مسخره کردن - ریشخند زدن
۶۷۴	countenance	تحمل کردن - صحه گذاشتن بر - حمایت کردن
۶۷۵	sanctimonious	مقدس نما - مقدس - زاهد
۶۷۶	equanimity	آرامش - ملایمت - متانت - خویشتن داری
۶۷۷	effrontery	گستاخی - جسارت - وقاحت - پر رویی - بی شرمی
۶۷۸	nonentity	آدم بی کفایت - آدم حقیر - هیچ کاره
۶۷۹	flabbergasted	هاج و واج - مات و مبهوت - انگشت به دهان
۶۸۰	debacle	شکست کامل - سقوط - فروپاشی - ویرانی
۶۸۱	vivacious	شاد - سر زنده - با نشاط - پر شور
۶۸۲	gaunt	لاغر - نحیف

۶۸۳	mien	ظاهر - حالت - قیافه - چهره
۶۸۴	hirsute	پر مو - مو دار - پشمالو - ژولیده مو
۶۸۵	refute	رد کردن - باطل کردن
۶۸۶	pensive	فکور - غرق در فکر - متفکرانه
۶۸۷	whet	برانگیختن - تحریک کردن - ترغیب کردن - هوس انداختن
۶۸۸	stupor	گیجی - منگی - بیهوشی - بی حسی
۶۸۹	wince	اخم کردن - چهره در هم کشیدن - یکه خوردن
۶۹۰	cliche	کلیشه - حرف قالبی - حرف تکراری - حرف مبتذل
۶۹۱	genre	نوع - گونه - اثر
۶۹۲	candid	رک و راست - صاف و پوست کنده - صادق - صادقانه
۶۹۳	unsavory	ناخوشایند - بد - زشت - ناشایست - نادرست
۶۹۴	degrade	تحقیر کردن - کوچک کردن - خوار کردن - ضایع کردن
۶۹۵	venial	قابل بخشش - بخشودنی - قابل اغماض - قابل گذشت
۶۹۶	epitome	مظهر - نمونه - تجلی - جوهر - عصاره
۶۹۷	dexterity	مهارت - چیره دستی - چالاکی - چابکی - تیز هوشی
۶۹۸	grotesque	مضحک - مسخره - خنده دار - عجیب و غریب - شنیع - زشت
۶۹۹	compassion	همدردی - دلسوزی - شفقت - غمخواری - رحم
۷۰۰	repugnant	نفرت انگیز - تهوع آور - مشمئز کننده
۷۰۱	acme	اوج کمال - اوج - نهایت - حد اعلای
۷۰۲	copious	فراوان - زیاد - مفصل - بسیار - پر کار
۷۰۳	vehemently	به تندی - به شدت - قاطعانه - شدیداً
۷۰۴	depict	توصیف کردن - شرح دادن - نشان دادن - مجسم کردن
۷۰۵	naive	ساده - زود باور - معصوم - پاک - بی آرایش
۷۰۶	perfidious	جفاکار - غدار - پیمان شکن - بی وفا
۷۰۷	covet	مشتاق بودن - آرزوی چیزی را داشتن - چشم طمع داشتن
۷۰۸	ingratiate	خود شیرینی کردن - چاپلوسی کردن - دل به دست آوردن
۷۰۹	penury	فقر - تنگدستی - تهی دستی
۷۱۰	ignominious	شرم آور - ننگین - خفت بار - فضاخت بار
۷۱۱	confront	مواجه شدن به - روبرو شدن با - روبرو کردن با
۷۱۲	antipathy	تنفر - انزجار - بیزاری - ضدیت - تضاد
۷۱۳	servile	نوکر صفت - شایسته نوکری - دون - پست
۷۱۴	volition	اختیار - درخواست - به خواست خود - به میل خود
۷۱۵	sojourn	اقامت موقت
۷۱۶	austere	پرهیزکار - پارسا - زهد - زاهدانه
۷۱۷	felicitous	شاد - شیرین - لذت بخش - مناسب - بجا - شایسته
۷۱۸	halcyon	خوب - آرام - خوش - شاد - به یاد ماندنی - روزگار خوش
۷۱۹	tenable	قابل دفاع - قابل قبول - باور کردنی - معقول
۷۲۰	superfluous	زیاد - زائد - مازاد
۷۲۱	motivate	برانگیختن - تشویق و ترغیب
۷۲۲	retionalize	توجیه کردن منطقی - معقول جلو دادن - عقلانی کردن
۷۲۳	therapy	درمان - معالجه - مداوا
۷۲۴	nascent	نو پا - نو بنیاد - نو ظهور - نو شکفته
۷۲۵	iconoclast	بت شکن

۷۲۶	erudite	فاضل - عالم - دانشمند
۷۲۷	phobia	هراس - ترس
۷۲۸	germane	مربوط - وابسته - مرتبط - مناسب - درخور
۷۲۹	vertigo	سرگیجه
۷۳۰	conducive	موجب - سرچشمه - منشا - مساعد - مناسب
۷۳۱	glib	چرب زبان
۷۳۲	homogenous	همگون - متشابه - همانند - همگن - متجانس
۷۳۳	malleable	انعطاف پذیر - پذیرا - سازگار - سر به راه
۷۳۴	legerdemain	تردستی - شعبده بازی - شیرین کاری
۷۳۵	trend	جهت حرکت - میل - تمایل - گرایش - روند
۷۳۶	stagnant	راکد - بی رونق - ساکن
۷۳۷	fatal	کشنده - مهلک - مرگبار - مخرب - خطرناک
۷۳۸	passe	کهنه - قدیمی - از مد افتاده
۷۳۹	procrastinate	تعلل کردن - مسامحه کردن - پوشت گوش انداختن
۷۴۰	facet	جنبه - وجه - بعد - سطح
۷۴۱	foist	قالب کردن - جا زدن - انداختن
۷۴۲	stigmatize	لکه دار کردن - بدنام کردن - بی آبرو کردن
۷۴۳	capitulate	تسلیم شدن - سر فرود آوردن
۷۴۴	audacity	جسارت - شجاعت - بی باکی - بی شرمی
۷۴۵	tantalize	عذاب کردن - اذیت کردن - کسی را دست انداختن
۷۴۶	retort	با تندی جواب دادن - با عصبانیت گفتن
۷۴۷	reticent	تودار - خوددار - کم حرف - ساکت - خاموش
۷۴۸	tacit	ضمنی - مفهوم
۷۴۹	chicanery	فریب کاری - شیادی - سفسطه - نقیض گوئی
۷۵۰	docile	سر به راه - رام - آرام - حرف شنو
۷۵۱	saga	حماسه - حماسه اسکاندویناوی - داستان حماسی بلند
۷۵۲	belated	بی موقع - با تاخیر - دیر هنگام - معوقه
۷۵۳	decrepit	فرتوت - شکسته - سالخورده - از کار افتاده
۷۵۴	imperturbable	آرام - خونسرد - خوددار
۷۵۵	vacillate	مردد بودن - تردید داشتن - دودل بودن
۷۵۶	staunch	وفادار - ثابت قدم - مصمم
۷۵۷	opprobrium	اهانت - سرزنش - نکوهش - تحقیر
۷۵۸	machiavellian	ترفند باز - حقه باز - حیله گر - نیرنگ بازانه
۷۵۹	unconscionable	شرم آور - خجالت آور - نامعقول
۷۶۰	pandemonium	آشوب - بی نظمی - غوغا - قشقرق
۷۶۱	flay	پوست کندن - گوشمالی دادن - غارت کردن - چاپیدن
۷۶۲	demeanor	رفتار - طرز رفتار - ژست - حالت
۷۶۳	delineation	ترسیم - توصیف - تشریح - توضیح
۷۶۴	vindicate	تبرئه کردن - توجیه کردن
۷۶۵	heinous	فجیع - شنیع - شریر - خبیث
۷۶۶	turpitude	فساد - عمل خلاف عفت - ابتدال - انحطاط
۷۶۷	infraction	نقض - شکستن - تخطی - تخلف - قانون شکنی
۷۶۸	callous	سنگ دل - بی رحم - بی عاطفه - بی رحمانه

۷۶۹	redress	جبران کردن - اصلاح کردن - چاره کردن
۷۷۰	vituperation	مذمت - ناسزاگویی - فحاشی - فحش - نکوهش
۷۷۱	rhetoric	بلاغت - سخنوری - خطابه - زبان بازی
۷۷۲	clique	جرگه - دارودسته - باند - فرقه - دسته
۷۷۳	extol	تحسین کردن - تمجید کردن - ستایش کردن - ستودن
۷۷۴	mentor	مشاور - معلم - مربی - استاد - مرشد
۷۷۵	facile	راحت - آسان - باد آورده - سهل الوصول - فصیح - روان
۷۷۶	cant	ریا - تزویر - دورویی
۷۷۷	magnanimous	بلند نظر - بخشنده - بزرگووار - سخاوتمند
۷۷۸	vilify	هتاک کردن به - توهین کردن به - بهتان زدن به
۷۷۹	elucidate	روشن کردن - توضیح دادن
۷۸۰	vapid	بی روح - ملامت بار - کسل کننده - بی مزه
۷۸۱	unwieldy	گنده - سنگین - بد هیكل
۷۸۲	proximity	نزدیکی - مجاورت - همسایگی
۷۸۳	lassitude	خستگی - ضعف - کسالت - بی حالی
۷۸۴	vitiate	خراب کردن - ضایع کردن - فاسد کردن - باطل کردن
۷۸۵	augment	افزایش دادن - افزودن - زیاد کردن - بهبود بخشیدن
۷۸۶	fatuous	ابلهانه - احمقانه - ابله - بی شعور - خرفت
۷۸۷	contort	درهم کشیدن - کج و معوج کردن - تحریف کردن
۷۸۸	repertoire	گنجینه - منبع - مخزن - مجموعه - خزانه - کلکسیون
۷۸۹	imperceptible	نا محسوس - آهسته - تدریجی - غیر قابل درک
۷۹۰	curry	چاپلوسی کردن - خودشیرینی کردن - خوش خدمتی کردن
۷۹۱	pall	خسته کننده - ملال آور
۷۹۲	succulent	آبدار - پر آب
۷۹۳	satiety	سیری - اشباع - به حد اشباع - دلزدگی
۷۹۴	intrinsic	درونی - باطنی - ذاتی - فطری
۷۹۵	potpourri	گلچین - گزیده - گزینہ - عطر گل
۷۹۶	sanction	تایید کردن - تصویب کردن - پذیرفتن - مجاز دانستن
۷۹۷	denote	دلالت کردن بر - معنی دادن - اشاره داشتن به
۷۹۸	allude	تلویحا گفتن - به طور ضمنی اظهار داشتن - اشاره کردن
۷۹۹	insidious	موظیانہ - مکارانه - خائنانہ - مکار - حیلہ گر
۸۰۰	propriety	ادب - نزاکت - اخلاق - رفتار صحیح
۸۰۱	advent	ظهور - پیدایش - حلول
۸۰۲	impious	کافر - بی دین - خدا شناس
۸۰۳	proffer	تقدیم - عرضه - پیشنهاد
۸۰۴	spate	هجوم - سیل - موج - رگبار
۸۰۵	shibboleth	بیان رایج - اسم رمز - عقیده پوسیده - شعار کهنه
۸۰۶	bogus	قلابی - ساختگی - دروغی - جعلی - بدلی
۸۰۷	substantiate	اثبات کردن - دلیل آوردن برای - مستند کردن
۸۰۸	nutritive	غذایی - تغذیه ای - مغذی
۸۰۹	raucous	گوش خراش - نخراشیده - ناهنجار - ناخوشایند
۸۱۰	quandary	شک - تردید - سردرگمی - بلاتکلیفی
۸۱۱	callous	سنگدل - بی عاطفه - بی رحم - بی احساس

۸۱۲	expedient	مناسب - صلاح - مصلحت - مصلحت آمیز
۸۱۳	negligible	اندک - ناچیز - جزئی - بی اهمیت - قابل چشم پوشی
۸۱۴	blase	بی اعتنا - بی تفاوت - خونسرد - دلزده - سیر
۸۱۵	ennui	خستگی - بی حوصلگی - احساس - بیهودگی
۸۱۶	comely	ملیح - قشنگ - جذاب - شایسته
۸۱۷	frenetic	جنون آمیز - دیوانه وار - هیجان زده
۸۱۸	artifice	مکر - حيله گری - شیادی - ترفند - حيله - حقه
۸۱۹	diversity	تنوع - گوناگونی - تعدد - اختلاف - تفاوت
۸۲۰	qualm	عذاب وجدان - دغدغه ی خاطره - دل نگرانی
۸۲۱	expurgate	تطهیر کردن - هرزه زدایی کردن - پاکسازی کردن
۸۲۲	begrudge	دریغ داشتن - غبطه خوردن - حسرت خوردن
۸۲۳	artless	بی آرایش - صاف و صادق - معصوم - ساده و طبیعی
۸۲۴	gratuity	انعام - پاداش - حق سنوات خدمت - مبلغ باز خرید
۸۲۵	manifest	آشکار - روشن - واضح - بدیهی
۸۲۶	delve	کند و کاو کردن - تحقیق کردن - بررسی کردن
۸۲۷	capricious	دمدمی - هوس باز - بوالهوس - ناپایدار
۸۲۸	requisite	لازم - ضروری - نیاز - شرط لازم
۸۲۹	replenish	دوباره تهیه کردن - دوباره تکمیل کردن
۸۳۰	roster	برنامه - فهرست - صورت اسامی - جدول نوبت
۸۳۱	stunt	بازداشتن از - مانع شدن
۸۳۲	stunted	از رشد باز مانده
۸۳۳	atrophy	تحلیل رفتن - ضعیف - لاغر شدن - پلاسیدن
۸۳۴	maim	معلول کردن - علیل کردن - ناقص کردن
۸۳۵	ameliorate	بهبود بخشیدن - اصلاح کردن - بهتر شدن
۸۳۶	cynic	بدبین - بد گمان - عیب جو
۸۳۷	unctuous	چاپلوسانه - متملقانه - تملق آمیز
۸۳۸	benevolent	نیک خواه - خیر خواه - خیر اندیش
۸۳۹	subservient	پست - مادون - چاپلوس - مطیع
۸۴۰	iniquity	ظلم - بی عدالتی - حق کشی - رذالت
۸۴۱	largess	گشاده دستی - سخاوت - بذل و بخشش
۸۴۲	criterion	معیار - ملاک - ضابطه - سنجه - میزان - مقیاس
۸۴۳	repent	پشیمان شدن - افسوس خوردن - توبه کردن
۸۴۴	mollify	آرام کردن - فرونشاندن - کاهش دادن - دلجویی کردن
۸۴۵	mercenary	مادی - پولکی - پول دوست - طمعکار - مزدور
۸۴۶	pariah	منفور - از طبقه پست - آدم رانده شده
۸۴۷	aloof	دور - به کنار - کناره گیر - منزوی - گوشه گیر
۸۴۸	pragmatic	عملی - عمل گرایانه - واقع بینانه - واقع بین
۸۴۹	vestige	اثر - رد - نشان - باقیمانده - بقایا
۸۵۰	guise	کسوت - هیئت - ظاهر - سیما - قیافه
۸۵۱	nullify	فسخ کردن - باطل کردن - خنثی کردن - بی اثر کردن
۸۵۲	delug	سیل - طوفان - غرق کردن - آب گرفتن
۸۵۳	futility	بیهودگی - بی فایدهگی - پوچی - کار عبث
۸۵۴	carnage	قتل عام - خونریزی - کشت و کشتار - حمام خون

۸۵۵	technology	تکنولوژی - فناوری - فنی
۸۵۶	libel	افترا - هتک حرمت - بهتان - مایه ی آبروریزی
۸۵۷	defamatory	افترا آمیز - موهن - رسوا کننده - بد نام کننده
۸۵۸	plaintiff	شاکی - خواهان - مدعی
۸۵۹	canard	خبر دروغ - شایعه ی بی اساس - گزارش غلط
۸۶۰	deprecate	مخالفت کردن با - انتقاد کردن از - محکوم کردن
۸۶۱	reputed	شناخته شده - مشهور
۸۶۲	frail	شکنده - ظریف - ضعیف - کم بنیه
۸۶۳	potent	موثر - قوی - پر قدرت - محکم
۸۶۴	excoriate	سرنش کردن - ملامت کردن - به سختی انتقاد کردن
۸۶۵	devout	دین دار - مومن - متدین - با خدا - با اخلاص
۸۶۶	diminutive	ریز - ریز نقش - کوچک - کوچولو - فسقلی - نقلی
۸۶۷	profuse	فراوان - بی شمار - انبوه - بسیار - زیاد
۸۶۸	dulcet	ملایم - دلپذیر - گوش نواز
۸۶۹	impromptu	فی البداهه - بدون برنامه ریزی
۸۷۰	malevolent	بد خواهانه - بد اندیشه - مغرضانه - مودیانه
۸۷۱	wisful	آرزومند - مشتاق - خواهان - حسرت بار
۸۷۲	raiment	جامه - پوشش - لباس
۸۷۳	brigand	راهزن - سارق - دزد گردنه
۸۷۴	corpulent	فربه - چاق - تنومند
۸۷۵	rail	گله کردن از - شکایت کردن از - نالیدن از
۸۷۶	raconteur	قصه گو
۸۷۷	sullen	عبوس - بد عنق - گرفته - بد اخم
۸۷۸	rift	شکاف - چاک - اختلاف - دودستگی - نفاق
۸۷۹	emissary	سفیر - فرستاده مخصوص - پیک - قاصد
۸۸۰	ruminare	در فکر فرو رفتن - تامل کردن - ژرف اندیشی کردن
۸۸۱	taut	کشیده - سفت - منقبض - گرفته - مضطرب
۸۸۲	livid	عصبانی - خشمگین - بر افروخته
۸۸۳	martinet	آدم سخت گیر - آدم مقرراتی - آدم خشک
۸۸۴	yen	میل - علاقه - اشتیاق - آرزو
۸۸۵	bagatelle	چیز نا قابل - چیز بی مقدار - چیز بی ارزش
۸۸۶	callow	خام - بی تجربه - نا پخته - چشم و گوش بسته
۸۸۷	appalled	منزجر - بیزار - متنفر - شوکه - وحشت زده
۸۸۸	penchant	علاقه شدید - میل وافر - تمایل زیاد - رغبت
۸۸۹	decapitate	گردن زدن - سر بریدن - سر از تن جدا کردن
۸۹۰	termagant	سلیطه - پتیاره - داد و بیداد کردن
۸۹۱	ascertain	فهمیدن - پی بردن - دریافتن - روشن ساختن
۸۹۲	dormant	معلق - مسکوت - نهفته - بالقوه - غیر فعال
۸۹۳	burgeon	شکفتن - جوانه زدن - شکوفا شدن - رونق گرفتن
۸۹۴	potentate	فرمانروای مطلق - حاکم - پادشاه
۸۹۵	disseminate	پخش کردن - پراکندن - منتشر کردن - گسترش دادن
۸۹۶	derive	استخراج کردن - بیرون کشیدن - گرفتن - استنتاج کردن
۸۹۷	derived	اشتقاقی - مشتق شده

babapour2010@gmail.com

۸۹۸	prerogative	امتیاز - اختیار - حق قانونی - حق انحصاری
۸۹۹	nepotism	پارتی بازی
۹۰۰	dearth	کمبود - قحطی
۹۰۱	internecine	خانمان برانداز - خانمان سوز - خونین - مرگبار
۹۰۲	tyro	آدم بی تجربه - مبتدی - تازه کار - نو آموز
۹۰۳	sophistry	سفسطه - مغالطه - تحریف
۹۰۴	factitious	مصنوعی - ساختگی - غیر طبیعی
۹۰۵	encomium	ثنا - مدح - ستایش - تمجید - مدیحه
۹۰۶	obloquy	بی آبرویی - رسوایی - بی حرمتی - فحش - ناسزا
۹۰۷	hyperbole	مبالغه - اغراق
۹۰۸	munificent	سخاوتمند - بخشنده - کریم - گشاده دست
۹۰۹	prevarication	کتمان حقیقت - کلی بافی - لفاظی - طفره روی
۹۱۰	charisma	جذب - هیبت - جاذبه - ابهت - کرامت



در کانال تلگرام کارنیل هر روز انگیزه خود را شارژ کنید 😊

<https://telegram.me/karnil>

